

عملکرد غیرایدئولوژیک اسلام‌گرایان ترکیه در سیاست خارجی

شهرام کالچی
(بخش دوم)

اتحادیه اروپا، ناتو و ایالات متحده آمریکا مورد مطالعه و بررسی قرار داد. بر خلاف حزب اسلام‌گرای رفاه به رهبری نجم‌الدین اربکان که با تأکید بر ارزش‌های بومی و اسلامی جامعه ترکیه از یک سو و ماهیت فرهنگی و مسیحی متفاوت اتحادیه اروپا، مخالف پیوستن ترکیه به این اتحادیه بود، حزب عدالت و توسعه با نگرشی مثبت به این مسئله می‌نگرد. به گونه‌ای که تنها شش هفته پس از انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ در یک طوفان دیپلماتیک و برخلاف انتظار تمام جریان‌های اسلام‌گرای سنتی و لائیک‌ها و... اعلام کرد که هدف اصلی‌اش متقاعد کردن رهبران اروپا برای معین کردن تاریخ مشخصی برای شروع مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپایی است. دگردیسی اردوغان و اطرافیانش از "اروپا ترسی" به "شیفتگی به اروپا" دارای جنبه ابزاری هم بود. به عنوان مثال تحت فشارهای اتحادیه اروپا، نقش نظامیان در صحنه سیاسی ترکیه کم رنگ تر شد و حزب عدالت و توسعه این مجال را یافت که ضمن تحکیم پایه‌های قدرت خود، با قدرت مانور بیشتری به اجرای سیاست‌های مد نظر خود بپردازد. از آنجا که



در شماره پیشین به نقد و بررسی عملکرد غیرایدئولوژیک اسلام‌گرایان ترکیه در قالب سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در زمینه مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی ترکیه پرداخته شد. در این شماره قصد داریم به صورت فشرده، عملکرد این حزب را در حوزه سیاست خارجی این کشور پیگیری نماییم. به باور بسیاری از تحلیل‌گران، برنامه‌ای که از زمان روی کار آمدن حزب



ترکیه که اکنون از او به عنوان هنری کیسینجر ترکیه یاد می‌شود، در آوریل سال ۲۰۰۱ با انتشار کتاب "عمق استراتژیک" نقطه عطفی را در مسیر سیاست خارجی ترکیه پدید آورد. این کتاب به ده‌ها زبان زنده دنیا ترجمه شده است و سیاستمداران و پژوهشگران کشورهای مختلف برای درک بهتر سیاست خارجی نوین ترکیه، به مطالعه و نقد این کتاب می‌پردازند، چرا که جهت‌گیری‌های چند ساله اخیر در صحنه سیاست خارجی ترکیه منبعث از مباحث کتاب یاد شده است. متأسفانه تاکنون این کتاب در ایران ترجمه نشده و در اختیار سیاستمداران و پژوهشگران ایرانی قرار نگرفته است. اوغلو در این کتاب بر این عقیده است که ترکیه برای دست یافتن به یک سیاست خارجی قوی، باید سیاستی موثر و مرغوب در جغرافیای عثمانی اجرا کند. در واقع هدف این برداشت که در دوره ریاست‌جمهوری مرحوم تورگوت اوزال پایه ریزی شده و به عثمانی‌گرایی جدید موسوم است، برقراری مناسبات گسترده و همه‌جانبه با کلیه ممالک اطراف ترکیه می‌باشد. تحقق این هدف را نه تنها مناسبات دیپلماتیک، بلکه کلیه مناسبات بشری چون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز تشکیل می‌دهد. بنابراین تعریف عثمانی‌گرایی جدید، به عنوان زنده سازی مجدد روح این امپراطوری و پیروی از سیاست داخلی و خارجی آن اشتباه خواهد بود بلکه در سیاست خارجی کنونی ترکیه، حل و فصل مسائل لاینحل و چالش برانگیز مانند روابط با ارمنستان و یا کردستان یعنی رفع کلیه مسائل ترکیه با ممالک منطقه و در راس کشورهای همسایه و برقراری روابط فشرده و صلح آمیز در دستور کار قرار گرفته است. در کنار این تأثیر تئوریک، اوغلو از بدو تاسیس حکومت حزب عدالت و توسعه در تشکل سیاست خارجی ترکیه نقش اساسی ایفا کرده است. رئیس تیم مشاوران سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، مشاور اول وزارت امور خارجه، رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک ترکیه و در نهایت وزیر امور خارجه ترکیه نقشی بسیار بنیادین در اجرای سیاست‌های ترسیم شده در کتاب عمق استراتژیک و نیز خط مشی‌های حزب عدالت و توسعه داشته است. در ادامه به چند مصداق مشخص به عنوان نماد تحول در عرصه سیاست خارجی ترکیه پرداخته می‌شود.

ترکیه و جهان غرب

روابط ترکیه با جهان غرب را می‌توان در سه حوزه

عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۳ به این طرف در حوزه سیاست خارجی ترکیه، تدوین و به اجرا گذاشته شده است، یکی از منظم‌ترین، کاربردی‌ترین و درعین حال جامع‌ترین دستور کار سیاست خارجی است که در چند دهه اخیر در سطح جهان به اجرا درآمده است.

مطمئناً مجال نیست که در این نوشتار کوتاه، به بررسی مبانی فکری و فلسفی این تحولات و یا ذکر تمام مصادیق آن پرداخته شود، اما کوشش می‌شود با اشاره به چند مصداق مشخص، درک صحیح‌تر و واقع‌بینانه‌تری از سیاست خارجی نوین ترکیه حاصل شود. روابط تهران - آنکارا در نوشتار دیگری مورد بررسی قرار خواهد گرفت و تمرکز بحث تنها بر روی نقاط چالش‌زای سیاست خارجی ترکیه خواهد بود. اما پیش از پرداختن به مصادیق اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت به نقش و تأثیر احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه کنونی ترکیه که به حق به عنوان معمار سیاست خارجی نوین ترکیه شناخته می‌شود و جامعه ترکیه در این تحول مثبت و رو به جلو مدیون این انسان متفکر است.

احمد داوود اوغلو؛ معمار سیاست خارجی نوین ترکیه

احمد داوود اوغلو، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه‌های

یکی از پیش شرط‌های مهم اتحادیه اروپا برای پیوستن ترکیه، حل و فصل مسائل داخلی به ویژه مسئله کردها و نیز چالش‌های بغرنج خارجی مانند قطع روابط با ارمنستان، بحران قبرس، مشکلات امنیتی در شمال عراق و نیز مناسبات نسبتاً سرد با سوریه بود، تیم سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه به رهبری احمد داوود اوغلو در طی شش سال گذشته تمام تلاش خود را صرف حل و فصل این مسائل نمود.

روابط ترکیه با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز در این دوره، علی‌رغم برخی از فراز و نشیب‌ها در مجموع به نفع ترکیه سپری شده است. در حال حاضر ترکیه دومین ارتش ناتو را در اختیار دارد و با توجه به موقعیت استراتژیک این کشور در حوزه دریای سیاه، قفقاز و خاورمیانه از ارزش‌های فراوانی برای ناتو برخوردار است. یکی از نکات جالب توجه در روابط ترکیه و ناتو را باید امتیازگیری رهبران ترک در شصتیمین سالگرد تاسیس این سازمان در آوریل ۲۰۰۹ در استراسبورگ فرانسه در مخالفت با دبیرکلی نخست وزیر دانمارک به دلیل حمایت وی از انتشار کاریکاتورهای توهین آمیز نسبت به پیامبر اسلام در نشریات دانمارکی بود. این



مخالفت که در ظاهر بنا به دلایل اسلامی صورت گرفت، در پشت پرده منجر به امتیاز گیری های مثبتی برای ترکیه شد. تضعیف موقعیت دانمارک به عنوان یکی از جدی ترین مخالفان عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، اعمال فشار برای قطع پخش برنامه های کانال کردی زبان روز از دانمارک که مواضعی نزدیک به حزب کارگران کردستان

(پ ک ک) دارد، در اختیار گرفتن حداقل دو پست مهم ناتو یعنی پست معاون دبیر کلی ناتو و نیز حضور ژنرال های ارتش ترکیه در شورای فرماندهی نظامی ناتو برای نخستین بار ... از جمله مهم ترین امتیازات گرفته شده از سوی دولت مردان آنکارا به شمار می آید.

روابط آنکارا- واشنگتن نیز در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه از فراز و نشیب های فراوانی برخوردار بود. در دوره جرج بوش روابط دو کشور متأثر از حمله آمریکا به عراق تا حدودی به سردی گرائید. عدم تصویب قطعنامه مجوز استفاده از قلمرو سرزمینی ترکیه توسط نیروهای آمریکایی برای حمله به عراق در مجلس ملی ترکیه در اول مارس ۲۰۰۳، از سرگیری حملات حزب کارگران کردستان عراق بر علیه ترکیه یک سال بعد از اشغال عراق توسط آمریکا و عدم شفافیت موضع دولت جرج بوش در قبال این موضوع و ترس از آینده عراق و افزایش بی ثباتی و خشونت های قومی و مذهبی در آن و احتمال تجزیه عراق از جمله نگرانی های ترکیه از اقدام حمله آمریکا علیه عراق بود که تا حدی منجر به سردی روابط دو کشور شد. علاوه بر این مسائل، تحولات دیگری که در منطقه خاورمیانه در طول سال های گذشته روی داد، از جمله برنامه هسته ای ایران، حمله اسرائیل به حزب الله لبنان و همچنین غزه، اختلاف مواضع بین دولت ترکیه و آمریکا پیرامون این موضوعات منطقه ای و... این وضعیت را تشدید کرد. اما این وضعیت با روی کار آمدن باراک اوباما و اتخاذ مواضعی معتدل و متفاوت با نوحفاظه کاران، روابط آنکارا- واشنگتن نیز وارد مرحله تازه ای شد. از این رو بود که اوباما، ترکیه را به عنوان اولین کشور خارجی مسلمان برای ملاقات انتخاب نمود. دلالی مانند عضویت ترکیه در شورای امنیت سازمان ملل، عضویت در گروه ۲۰ (کشورهای دارای اقتصاد برتر)، حضور نیروهای ترکیه در مأموریت حفظ صلح ناتو در افغانستان، اعلام طرح عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ از سوی اوباما و آمادگی ترکیه برای همکاری با این سیاست جدید آمریکا، برچیده شدن پایگاه نظامی آمریکا در قرقیزستان و نیاز آمریکا به پایگاه اینجریلیک ترکیه برای انتقال نیرو به عراق و افغانستان و نقش ترکیه در هدایت و برقراری صلح در منطقه خاورمیانه در سال های گذشته از جمله میزبانی گفتگوهای اسرائیل و سوریه و نقش اخیرش در قبال ایجاد آتش بس در غزه، روابط دوستانه اش با ایران و احتمالاً ایفای نقش میانجی در بهبود روابط ایران و آمریکا، همکاری علیه تروریسم بین المللی از القاعده گرفته تا حزب کارگران کردستان که

هر دو را دشمن مشترک خود می دانند و کمک ترکیه به حفظ امنیت انرژی منطقه با انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی، همه و همه باعث شده است دولت اوباما ترکیه را به عنوان متحد اصلی و شریک استراتژیک اش در منطقه خاورمیانه قرار دهد و دیدار اوباما از ترکیه تأییدی بر رویکرد جدید واشنگتن در قبال ترکیه و شاید دیدن

اوغلو در این کتاب بر این عقیده است که ترکیه برای دست یافتن به یک سیاست خارجی قوی، باید سیاستی موثر و مرغوب در جغرافیای عثمانی اجرا کند

خاورمیانه از نگاه ترکیه است. تحلیل گران سیاسی ترکیه در مورد آنچه ترکیه می تواند به آمریکا ارائه دهد می نویسند: افزایش قدرت نرم آنکارا در خاورمیانه، با توجه به حضور حزب حاکم اسلام گرا در قدرت، می تواند یک سرمایه دیپلماتیک برای آمریکا محسوب شود تا گفت و گوی مناسب تری را با دمشق، تهران و حماس صورت دهد. دولت "اوباما" به این نتیجه خواهد رسید که تمام مسائل در خاورمیانه به یکدیگر متصل هستند. صلح اعراب و اسرائیل با تحریم ایران و اوضاع شکننده عراق پیشرفت نخواهد داشت. استانبول مناسب ترین محل برای جمع کردن مقامات این کشورها به همراه اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل و آمریکا می باشد. ترکیه می تواند بین سوریه و اسرائیل، آمریکا و ایران، علیرغم نارضایتی مصر، اردن و عربستان سعودی، میانجی گری کند.

ترکیه و سوریه

ترکیه و سوریه از گذشته تا به حال در روابط دو جانبه خود با مشکلاتی مواجه بوده اند. در این میان سه اختلاف اصلی همواره سایه خود را بر روابط این دو کشور حفظ کرده اند. مساله کردها، تقسیم منابع آبی مشترک و اختلاف ارضی بر سر استان هاتای، سه مسئله مهم و اختلاف انگیز در روابط ترکیه و سوریه بوده اند. بعد از کنار رفتن کمالیست های ترکیه که هرگز خواهان روابط گرم با سوریه نبودند، سیاست چند وجهی حزب عدالت و توسعه، بهبود مناسبات با سوریه را در دستور کار خود قرار داد. نیاز گسترده ترکیه به بازار گسترده سوریه، تضمین جریان انتقال نفت اعراب به ترکیه از مسیر سوریه، رفع اختلاف با یکی دیگر از همسایگانش، در راستای تحقق پیش شرط های اتحادیه اروپا و... از جمله دلایل

دولت مردان جدید آنکارا برای بهبود مناسبات با دمشق به شمار می رود. از سویی دیگر تحولات منطقه ای و جهانی و اعمال برخی فشارهای سیاسی از سوی غرب، موجب شد که نگرش سیاسی سوریه به مسائل بین المللی در سال های اخیر دچار تحولاتی شود. کناره گیری عبدالحمید خدام از سیستم

سیاسی سوریه، صدور قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در مورد لبنان و تأکید آن بر خروج نیروهای خارجی از خاک لبنان، باعث شد که سوریه در روابط خارجی خود، مصالحه با همسایگان را در دستور کار قرار دهد. برآیند این تحولات در دو کشور موجب نزدیکی هر چه بیشتر ترکیه و سوریه را به گونه ای فراهم آورد که در نیم قرن اخیر بی سابقه بوده است. دیدار ۵ ژانویه ۲۰۰۴ بشار اسد از ترکیه که بعد از ۵۷ سال به وقوع پیوست (نخستین سفر یک رئیس جمهور سوریه به ترکیه از سال ۱۹۴۶) و متقابلاً دیدار رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه به دمشق در همان مقطع، امضای معاهده میان دو کشور در مورد آب، میانجی گری ترکیه در مذاکرات صلح سوریه و اسرائیل، برگزاری مانور مشترک نظامی بین دو کشور برای نخستین بار در منطقه ما بین "یوکسیک تپه" در استان "گیلیس" ترکیه تا منطقه "سامارین عزیز" در خاک سوریه در اردیبهشت ۱۳۸۸ و... از جمله مهم ترین تحولات روابط دمشق و آنکارا به شمار می رود. در مجموع به نظر می رسد ترکیه و سوریه با ترک اختلافات سنتی رو به سوی تعاملی مثبت و سازنده آورده اند که این امر را نیز باید یکی از مهم ترین دستاوردهای حزب عدالت و توسعه در حوزه سیاست خارجی دانست.

ترکیه و عراق

پس از تجاوز عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و متعاقب آن حمله نیروهای ائتلاف به خاک عراق، روابط آنکارا و بغداد در چهارچوب قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد بسیار سرد و در مقطعی قطع بود. در فاصله زمانی سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۲ یعنی سقوط صدام حسین، در نتیجه خلاء قدرتی که در شمال عراق بوجود آمد، مسایل امنیتی بویژه فعالیت حزب کارگران کردستان (پ ک ک) به یکی از مهم ترین چالش های روابط دو کشور تبدیل شد. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق که منجر به سرنگونی رژیم صدام حسین شد، روابط آنکارا و بغداد نیز وارد مرحله نوینی شد. این تحول سیاسی در عراق همزمان با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در صحنه سیاسی ترکیه بود. برخلاف محافل طرفدار اروپا، لیبرال ها و ملی گرایان افراطی که نگاهی متفاوت و بسیار سخت نسبت به مساله کردها در تنظیم روابط با عراق داشتند، حزب عدالت و توسعه با بهره گیری از فرصت پیش آمده در صحنه سیاسی عراق به ویژه تشکیل دولت خودمختار کردستان در عراق به ریاست مسعود بارزانی و رسیدن نخجبان دیگر کرد مانند جلال طالبانی به پست ریاست جمهوری و هوشیار زیباری به وزارت امور خارجه عراق و... درصدد

چشم‌انداز اقتصادی چین در روابط خارجی

ظهور چین به عنوان یک قدرت جهانی در چند دهه اخیر و تسخیر بازارهای جهانی بیش از هر چیز به منابع متنوع انرژی وابسته است- در حالی که چین یک واردکننده بزرگ نفت و گاز است- و با فرصت‌ها و تهدیدهای همان انرژی متنوع نیز مواجه است.

چند دهه پیش و زمانی که «تیمور بند» کتاب چین قدرت بزرگ فردا را به رشته‌ی تحریر درآورد، بازیگران عرصه جهانی و ابرقدرت‌های وقت هنوز به این باور نرسیده بودند اما امروز چین بازار بسیاری از کشورهای بزرگ جهان، خاورمیانه و از جمله ایران را در تصرف عرضه کالاها خود دارد. نیاز چین به فتح بازارهای مصرف جدید و صد البته تامین انرژی مورد نظر (چین در سال ۲۰۳۰ روزانه حدود ۱۰ میلیون نفت وارداتی نیاز خواهد داشت) موجب شد تا این کشور پس از فروپاشی شوروی ارتباط خود را با منطقه خاورمیانه و کشورهای آسیای مرکزی بسیار جدی توسعه دهد.

سطور بالا گزیده‌ای از مقدمه و پیشگفتار مترجم کتاب «چشم‌انداز اقتصادی چین در روابط خارجی» است.

حافظ شورجی کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تهران که استاد دانشگاه نیز هست و به عنوان یکی از مدیران ارشد بانک کشاورزی تجارب خود را در اختیار جامعه بانکی کشور قرار می‌دهد طی سال‌ها تحقیق و مطالعه مقالات متعدد در مورد اقتصاد بازرگانی و انرژی کشور چین مطالبی را از نشریات، کتاب‌ها و سایت‌های مختلف و موسسات مطالعاتی دستچین و ترجمه کرده است تا تحلیلی درست‌تر از وضعیت اقتصادی و جمهوری‌های خلق چین و جایگاه آن در نظام بین‌المللی کنونی ارایه دهد.

شورجی در این کتاب ۴ مقاله به شرح زیر انتخاب و با قلم شیوای خود ترجمه و اقتباسی از آنها عرضه کرده است که سیاست‌گذاران خارجی کشورمان و دولتمردان روابط بین‌الملل و پژوهشگران و دانشجویان حوزه علوم سیاسی و اقتصادی به راحتی می‌توانند از تحلیل‌ها، مستندات و پیش‌بینی‌های آن بهره‌مند شوند. مقالات به شرح زیر است:

چشم‌اندازهای اقتصاد چین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۶ با نگاه عمده به تجارت، برابری و فرایند توسعه نوشته هی جیان دو- لی شانتونگ- ساندر پولا سکی آوریل ۲۰۰۷ نشریه شماره ۸۳ موسسه کارنگی برای صلح بین‌المللی که به دلیل اهمیت ۸۳ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است.

تأثیر چین بر خاورمیانه به قلم گودا ایدل و کریم کورایم از فصلنامه ۴/۲۳ جوامع در حال توسعه (لندن- لس آنجلس) نیودلهی و سنگاپور

مدیریت رقابت خاورمیانه‌ای چین و آمریکا در حوزه انرژی نویسندگان فلائیت لورت و جفری بادر از مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی و موسسه تکنولوژی ماساچوست

تعهدات و محدودیت‌های رابطه چین و آمریکا به قلم و واگزینبوت از مرکز مطالعات بین‌المللی استراتژیک و موسسه تکنولوژی ماساچوست واشنگتن کواترلی از آن جا که تبریز قبل از تهران مهد دانش و نشر بوده و نخستین چاپخانه نیز در آن کلان‌شهر شروع به کار کرده است کتاب «چشم‌انداز اقتصادی چین در روابط خارجی» توسط نشر اختر در تبریز به زیور طبع آراسته شده است.



بهبود و گسترش مناسبات با دولتمردان عراق برآمد. دیدارهای رسمی متقابل به موازات مذاکرات گروه‌های عرب، سنی، شیعه و کرد عراقی با مقامات وزارت امورخارجه و دیگر مقامات دولتی ترکیه از جمله مهم‌ترین تحولات روابط دو کشور به شمار می‌رود. در این میان دیدارهای رجب طیب اردوغان، نخست وزیر، در ژوئیه سال ۲۰۰۸، احمد داوود اوغلو، وزیر امورخارجه و ظفر چاغلایان، وزیر کشور، در ماه اوت سال ۲۰۰۹ از عراق و متقابلاً سفر تاریخی نوری المالکی به آنکارا از مهم‌ترین تحولات دیپلماتیک دو کشور به شمار می‌رود. مهم‌ترین رویدادی که سبب بیشترین پیشرفت در روابط ترکیه و عراق گردید، تشکیل شورای عالی همکاری‌های استراتژیک می‌باشد که قرار داد آن در ماه جولای ۲۰۰۸ به امضاء رسید. در این شورا که نخست وزیران ترکیه و عراق مشترکاً ریاست آن را بر عهده دارند، در کنار موضوعات سیاسی و اقتصادی، برخی مطالب استراتژیک چون انرژی، امنیت و آب نیز مورد مذاکره قرار خواهد گرفت.

ترکیه و ارمنستان

یکی از مهمترین تحولات دیپلماتیک در طی دو سال اخیر، برقراری مناسبات دیپلماتیک میان دو کشور ترکیه و ارمنستان است که از سال ۱۹۹۲ و در پی جنگ خونین آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه ناگورنو- قره‌باغ به طور کامل قطع شده‌بود. روابط آنکارا و ایروان از زمان استقلال ارمنستان همواره پرتنش بوده‌است، در حالی که ترکیه در زمره نخستین کشورهایی بود که در سال ۱۹۹۱ استقلال ارمنستان را به رسمیت شناخت، اما دو کشور به مدت ۱۷ سال یعنی تا سال ۲۰۰۸ از روابط رسمی دیپلماتیک برخوردار نبودند. اتهام ارمنستان به ترکیه در مورد نسلکشی ارمنی به دست امپراطوری عثمانی در سال ۱۹۱۵ و ضرورت پذیرش و عذرخواهی رسمی و همراه با جبران خسارت مادی و معنوی آن از سوی آنکارا، مساله قره باغ و اشغال آن از سوی ارمنستان در طی جنگ خونین ناگورنو - قره باغ در سال ۱۹۹۲ (که منجر به قطع مناسبات دیپلماتیک، اعمال تحریمهای اقتصادی و بستن مرزهای دو کشور ترکیه و ارمنستان شد) و شناسایی رسمی مرز کنونی ترکیه - ارمنستان و چشمپوشی ایروان از نگرستن به بخش‌شرقی ترکیه به عنوان ارمنستان غربی سه عامل اصلی رکود و قطع روابط ایروان- آنکارا در دو دهه اخیر است. اما مجموعه‌های از عوامل مانند فائق شدن بر یکی از مهمترین چالشهای ترکیه در مناطق پیرامونی و نیز خارج شدن از فشار لابی ارمنی در آمریکا و اروپا، افزایش اعتبار منطقه‌های و بین‌المللی ترکیه، فراهم‌شدن زمینه بیشتر برای نفوذ ترکیه در معادلات سیاسی و امنیتی قفقاز جنوبی، رها ساختن ارمنستان از وابستگی سنتی به ایران و روسیه و اتصال آن به منافع ملی ترکیه و نیز پیشگیری از صدور و یا تصویب قطعنامه‌ها در واشنگتن و یا پایتختهای اروپایی در قبال مساله قتلعام ارمنی و به همین ترتیب برداشتن گام دیگری در مسیر معیارهای اتحادیه اروپا و تحقق رویای ۴۰ ساله ترکیها، بازشدن مرزهای ترکیه با ارمنستان و رونق تجارت و جریان تبادل سرمایه بین دو کشور و در نتیجه توسعه بخش شرقی ترکیه که همواره از عدم تعادل با بخش پیشرفته غربی در رنج بوده است، از جمله مهم‌ترین دلایل و به عبارتی بهتر دستاورد سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در برقراری مجدد روابط با ارمنستان است که این امر در کنار دیگر تحولات یاد شده در نهایت منجر به افزایش اعتبار منطقه ای و بین‌المللی ترکیه خواهد شد. ▲

